

میدون و سوفیا

یک دیالوگ تلخ جنایی – عاشقانه



پوریای عالمی

● سلام سوفیا، تو دیگر عشق من نیستی. به بابات هم بگو من دیگر از خانواده شما دختریکر نیستم، چون دیروز اعلام شده سه میلیارد یورو ارز دولتی در اختیار دو خانواده مشهور قرار دارد. چرا سوفیا؟ چرا تو جزء یکی از این دوتا خانواده مشهور نیستی؟ – میدون دوم... عزیزم... من جزء این دوتا خانواده مشهور نیستم، اوکی! اما تو چرا هیچی نیستی؟ نه خانواده‌داری، نه سیاسی‌ای، نه مشهوری، نه آدمی؟

من این حرف‌ها حالم نیست سوفیا. من دارم حیف می‌شوم... چرا من باید بیایم پدر خودم را دریابورم و بابای سوفیا هم این‌قدر دهان من را سرویس کند و دختر می‌دهم نمی‌دهم کند؟ خب من مستقیم می‌روم از همین خانواده‌ها دختر می‌گیرم و بارم را می‌بندم و خلاص. البته سوفیا این چیزِی از ارزش‌های تو کم نمی‌کنند. اما تو خودت فکر کن... بابات جزء این خانواده‌ها نیست، این‌طوری من را خریده است! اگر جزء این دوتا خانواده بود و سه میلیارد یورو ارز دولتی داشت که کل خاندان من را می‌خارید.

– باشه میدون دوم، تو آدم عقل‌رسی هستی. من هم حرف تو را قبول دارم. منتها این دوتا خانواده مشهور چرا دخترشان را به الاغی مثل تو بدهند که تو ی ۳۰ سالگی هنوز منتظر سر ماه است دولت ۴۰ هزار تومان یارانه بریزد که برود شارژُ ایرنسل بخرد زنگ بزند به دوستش. خیالت راحت! مطمئن باش این دوتا خانواده مشهور از هم دختر و پسر می‌گیرند و به قول بابای سوفیا – که از فلاسفه است – پولدارها همان‌طور که نمی‌گذارند پول از خانواده‌شان خارج شود، اجازه نمی‌دهند پشکل وارد خانواده‌شان شود.

: وای سوفیا... چقدر شگفت توضیح دادی برام. من متقاعد شدم. الان که فکر می‌کنم، می‌بینم من هیچ‌کسی جز تو را دوست ندارم و معتقدم عشق از مادیات مهم‌تر است. آبا هنوز حضاری با من ازدواج کنی؟ آیا بابات حاضر است تو را به من بدهد؟ الو... الو... الان شارژُ موبایلم تمام می‌شود و باید صبر کنم تا سر ماه که یارانه‌ها را بریزند که من بتوانم باز شارژُ موبایلِ بخرم و بهت تلفن کنم عشق اول و آخرم... (بوق... بوق... بوق... بوق...)

پرنده آبی

نام جدید

● پیشنهاد اسم برای پسر هری و مکان از سرگرمی‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی بود. هرچند عده‌ای اعتراض داشتند که «مگه قرن پانزده میلادی‌به که این‌قدر «شاهزاده» هری و «پرنسس» مکان می‌کنید؟ هر لحظه کلی بچه سراسر جهان به دنیا میاد، چرا باید بچه دو تا آدم این‌قدر برای رسانه‌های مختلف مهم باشه؟ روتیزر، بی‌بی‌سی، یورونیوز، سی‌ان‌ان... هیچ‌کدوم خبر را از قلم نینداختند». حساب کاربری خانواده سلطنتی در تویتر هم در ۲۴ ساعت پس از تولد این پسر، با اعلام خبر سلامتی این کودک و مدارش تصویری از برکه تولد او منتشر کرده است. برکه تولد او قرار است به مدت ۲۴ ساعت در کاخ سلطنتی به نمایش گذاشته شود. رسوم گذشته همچنان ادامه دارد؛ به‌طوری‌که جارجی سلطنتی خبر تولد نتیجه ملکه بریتانیا را در بیرون قلعه وینزور اعلام می‌کرد. این پسر، نفر هفتم فهرستی است که می‌تواند به سلطنت برسد. به گزارش دیلی اکسپرس هری بریتانیایی و مکان آمریکایی‌به دنبال نامی غیرمعمول برای تولد فرزند خود هستند که آمریکا و بریتانیا را متحد کند. برای همین کاربران شبکه‌های اجتماعی اسامی عجیبی نظیر «جنگ عراق» و... را پیشنهاد داده‌اند. اما اتفاق دیگری که کاربران را درگیر کرده است، عکس‌های منتشرشده در است‌گالا یا مراسم مد خیره موزه متروپولیتن است که سردیووک آن را برگزار می‌کند. یکی از جالب‌ترین و عجیب‌ترین نمایش‌های مد در جهان که با میهمان‌های ویژه و بلیت‌های گران‌قیمت برگزار می‌شود و تم لباس‌ها از پیش مشخص است، این‌بار موضوع «کمپ؛ نکته‌هایی برای مد» بود که با الهام از مجموعه مقاله «نکته‌هایی درباره کمپ» (۱۹۴۴) اثر سوزان سانتاگ، نویسنده و فعال سیاسی آمریکایی، برگزار می‌شود. سوزان سانتاگ در این کتاب جوهره «کمپ» به عنوان یک خرده‌فرهنگ را این‌طور معنی کرده بود: «عشق به ناهنجار؛ با ترند و اغراق». به گزارش بی‌بی‌سی طبق گفته برگزارکنندگان مراسم، انتخاب موضوع «کمپ» به این معنا بود که لباس‌ها باید با نگاهی به «طنز، طعنه، تقلید مضحکه، التقاط، ترند، تظاهر و اغراق» انتخاب می‌شدند. بازگویی سر خود را آورده بود، دیگری خود را شبیه پرنده کرده بود و یک صاحب تاتار خود را به سالن نمایش تبدیل کرد.



شترن روزنامه

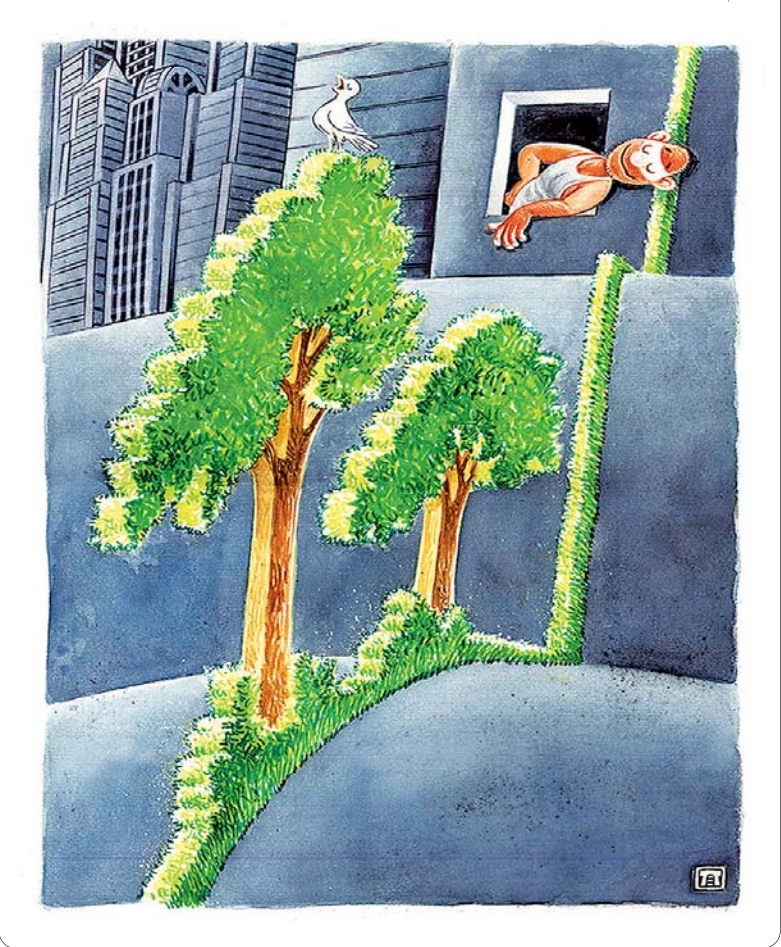
www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۲۰ رمضان ۱۴۴۰ می ۸ • ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۲۲ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۶ • اذان صبح فردا ۴:۲۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنفرها

کارتون خواب

جیتت کاستانا



زنانی که من دیده‌ام

هراس‌هایم برای تو

خواهد بود و ما با ذهن‌های متفاوت و دیدگاه‌های متکثر دست به انتخاب‌های مختلفی خواهیم زد. اصالت، حضور خانواده، رفاه، آزادی، فضای باز، امنیت و... عواملی ریشه‌ای است که انتخاب‌های ما را شکل می‌دهد. هر انتخابی نیز مزایا و معایب خود را دارد و مهم این است که برای ما کدام مزیت پررنگ‌تر است.

به زنانی که دزکشان در این ستون رفته نگاه می‌کنم، دوست جوان و موفقی پس از سال‌ها زندگی در غرب و با وجود دستیابی به سطح زندگی مرفه، تصمیم گرفت فرزندش را به ایران بیاورد تا در کنار پدربزرگ و مادربزرگ‌هایش رشد کند. برای او اتصال فرزندش با ریشه‌های خود، عمده‌ترین دلیل انتخاب مسیرش بود. کارگردانی صاحب‌نام که امکان آموزش فرزندش در خانه را داشت ولی تصمیم گرفت او را به مدرسه نمونه‌مردمی بفرستد، چراکه برای او دمخورشدن فرزندش با جامعه و درک و دریافت واقع‌بینانه از شرایط، اهمیت اصلی را داشت. یا دوستی که به خاطر شرایط جامعه‌اش و کودکی سختی که گذرانده بود، کشورش را رها کرد و رفت تا خانواده خود را در کشوری جدید بنا کند.

خواهی نخواهی، وقتی مسئله هراس‌ها مطرح می‌شود، جامعه‌ای که بستر رشد فرزند است، خود حاوی بیم و امیدهای بسیار است. برای نسل ما، آینده خود، آینده فرزند و آینده جامعه‌مان بسیار در هم تنیده شده است. هرچه با ذهنم کلنجار می‌روم، انکار نمی‌توانم آرزو و هراس‌هایی را که برای دختر دارم. از نگرانی‌هایم برای جامعه‌تفکیک کنم. این دو در هم تنیده‌اند و برای هردوشان خواهان اصالت، رفاه، آزادی و امنیت هستم.

تغییر

بشکنند آن دست که

عنوان نایب‌قهرمانی سوپرلیگ نیز در کارنامه این باشگاه وجود دارد. چارشی گروه طرفداران دواتشه بشیکتاش است و پس از کودتای خشن ۱۹۸۰، از اتحاد دواتشه‌ها و چپ‌گرایانی پدید آمد که سکوهای استادیوم تنها جای گردهمایی‌شان بود. اشارات مستقیم به مسائل سیاسی و اجتماعی، همیشه در سکوهای متعلق به گروه چارشی مشهود بوده‌اند. چارشی یکی از سازماندهان اصلی اعتراضات گزی‌پارک در ۲۰۱۳ بود و از آن زمان همواره از طرف دولت ترکیه و مدیریت باشگاه تحت فشار است.

سعدی ادیب و نابغه‌ای کارآزموده و سفرکرده و جهان‌دیده بود. وقتی این عبارت ساده و گویا را می‌نوشته‌که «قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید»، یقیناً به ماجراها و زندگی پر حادثه خود می‌اندیشیده است؛ به اینکه چگونه وقتی به مصیبت‌هایی گرفتار آمده بود، قدر عافیت را از ته دل دانسته بود.

سعدی در جایی دیگر در مقایسه عابد و زاهد «گفت آن کلیم خویش برون می‌برد ز موج، وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را». بدیهی است منظور سعدی از این شعر نظر به مقایسه دو طرز تفکر و راه و روش زندگی دارد، اما بازتاب ذهنیت از دوگانه انسان‌هاست که موجب می‌شود برخی به برون‌بردن کلیم خویش ز آب بیندیشند، اما هستند کسانی که جهد می‌کنند که بگیرند غریق را! اکنون بیش از ۱۵۰ سال از تشکیل صلیب سرخ و هلال‌احمر بین‌المللی در ژنو سوئیس می‌گذرد. این سازمان غیردولتی یا مردم‌نهاد توسط کسانی تشکیل شده است که تلاش می‌کردند بگیرند



فریدون مجلسی

غریب‌ق را! وقتی به تاریخ تشکیل این سازمان؛ یعنی سال ۱۸۶۳ می‌اندیشیم، درمی‌یابیم دوران ویاریوسی ناسیونالیست‌های اروپایی است که وجود یکدیگر را تاب نمی‌آوردند.

فرانسه در کمتر از یک قرن سه انقلاب خونین را پشت‌سر گذاشته و به امپراتوری ناپلئون سوم رسیده بود و هنوز جنگ خونین و شکست بزرگی در مقابل آلمان در آغاز دهه ۱۸۷۰ پیش داشت. هنوز زخم‌های این جنگ التیام نیافته بود که در سال ۱۸۱۴ جنگ جهانی اول درگرفت و در سال آخر آن جنگ، روسیه گرفتار جنگی داخلی شد که نظام خونین شوروی از آن سر برآورد. هنوز ۲۰ سال از پایان جنگ اول نگذشته بود که جنگ دوم جهانی، از جمله در ایران، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ عراق و ایران و جنگ افغانستان، جنگ بالکان، جنگ سوریه، یمن، فلسطین و جنگ‌های بزرگ و کوچک دیگر رخ دادند.

گویي در زمانی که بشر بیش از همیشه ادعای ترقی و توسعه دارد، بیش از همیشه راه‌حل مسائل را در نتیجه خودخواهی‌ها و لجاجت‌های فرمانروایانی دیده است که مردمان بی‌توا را سپر بلا و قربانی آرمان‌های گوناگون کرده‌اند.

اینان غریق‌هایی بوده‌اند که تنها امیدشان در

این یک‌وینم قرن، به سازمانی بوده است که راه

دور دنیا

کنترل روزنامه‌نگاران؛ غیرممکن و بدون دستاورد

مطبوعات برادشته شد. چهار سال بعد از آن بیش از ۴۰۰ روزنامه در فرانسه و از جمله ۱۵۰ روزنامه فقط در پاریس بود. تا سال ۱۷۹۹ این رقم به هزارو ۳۰۰ روزنامه رسید، هزارو ۳۰۰ مدخل برای روزنامه‌نگاران مشتاق یادگیری و پرورش مهارت‌ها.

اما دوره سرکوب پس از انقلاب رسید و وقتی ناپلئون بناپارت قدرت را در سال ۱۷۹۹ به دست گرفت، تعداد روزنامه‌ها در پاریس به ۷۲ رسید و به زودی به ۱۳ و در سال ۱۸۱۱ به چهار روزنامه کاهش یافت.

به همین ترتیب، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رسانه‌هایی از همه نوع شکوفا شدند. اما بعد، دولت‌های برخی جمهوری‌های مستقل لزوم «دستورالصلح راهنما» را مطرح کردند. قوانین متعددی تصویب شد که تبلیغ می‌شد تضمین‌کننده مطبوعات آزاد است، اما برای مجازات روزنامه‌نگاران با گزارش‌های تند و انتقادی مورد استفاده قرار گرفت. افزرا جرم شناخته شد، جریمه‌های بزرگی هم به نشریات مستقل، وسایل ارتباط جمعی و وبلاگ‌نویسان تحمیل شد و چین و ترکیه – دو کشوری که در زندانی‌کردن روزنامه‌نگاران رکوردهایی دارند- در سال‌های اخیر سرکوب را افزایش داده‌اند. در همین ماه گذشته، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، قوانین جدیدی برای مجازات افراد و رسانه‌های آنلاین با عنوان انتشار اخبار و اطلاعات به اصطلاح جعلی که به دولت «بی‌احترامی می‌کنند» امضا کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دارد به همان مسیر می‌رود. مداوم انگ «دروغو» و «دشمن مردم» به روزنامه‌نگاران می‌زند که یادآور برجسب‌هایی است که نازی‌ها دوست داشتند به رسانه‌ها بزنند – Lügen- presse (مطبوعات دروغگو).

حتی در اتحادیه اروپا، طبق تحقیق سال ۲۰۱۴ انجمن مطبوعات بین‌المللی، هنوز روزنامه‌نگاران با اتهام افترا و توهین به دولت بازداشت می‌شوند. یافته‌های این انجمن نشان می‌دهد «اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عضو اتحادیه اروپا قوانین جنایی ناظر بر افشاکاری را حفظ کرده‌اند که زندان را یک مجازات محتمل به شمار می‌آورد. پیگرد قانونی همچنان ادامه دارد و روزنامه‌نگاران همچنان به جرائم جنایی محکوم می‌شوند».

اینکه به مطبوعات امکان آزمودن، خطاکردن و آموختن از آن داده شود، برای موفقیت دموکراسی‌های سراسر جهان بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل است که دولت‌ها و جامع مدنی باید در حفظ و حمایت از مطبوعات آزاد کوشا باشند- حتی – یا به ویژه اگر- مطبوعات هنوز در حال توسعه باشند.

آینه

به یاد یابوریم که بارها در روایات دینی گفته شده، ارزش و اهمیت هر کاری بر اساس نیت و انگیزه آن تعیین می‌شود و به گزارش ویکی‌شیعه؛ نیت‌های مخلصانه و خالصانه به خداوند، باعث کمال عمل می‌شوند؛ طبق حدیث معروف «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»، اعمال انسان در گرو نیت‌هاست. معصومان (ع) در روایات بسیاری، بر داشتن نیت پاک و مخلصانه تأکید کرده و نیت فاسد را عامل ازین‌رفتن رکت و روزی انسان و پیش‌آمدن بلا و گرفتاری معرفی کرده‌اند. برخی از احادیث، در مقایسه نیت و عمل، نیت را اصل، شالوده و برتر از اعمال معرفی کرده و اعمال را ثمره نیت‌ها دانسته‌اند، همچنین ذکر کرده‌اند که پاداش الهی، شامل نیت بدون عمل نیز می‌شود. بر اساس روایتی از امام علی (ع)، اعمال بندگان، دارای مراتب و درجه‌هایی متفاوت هستند و «نیت»، تعیین‌کننده میزان ارزش اعمال اخلاقی و عبادی انسان‌هاست.

امداد فقط می‌خواست به کمک صندوق‌ها اکتفا کند، مبلغ مناسبی تهیه نمی‌شد؛ آن‌طور که گفته شده، فقط ۱۷۵ میلیارد تومان توسط این سازمان در استان تهران جمع‌آوری شده‌است که یعنی برای هر خانواده حداقل ۲۰۰ هزار تومان! البته مجلس، دولت، بانک‌ها و خیران کمک کرده‌اند تا بیش از دوهزار میلیارد تومان به ۱۴۰ هزار نفر وام داده شود. البته کمک‌های جانبی زیادی وجود دارد؛ اخبار را هم که مرور می‌کنید مدام از این جملات روبرو می‌شوید؛ کمک از صندوق ذخیره ارزی، کمک رئیس‌جمهور به استان سیستان‌وبلوچستان و... یعنی به نظر می‌رسد برای افراد نیازمند کمک‌هایی خارج از بودجه در حال اختصاص است تا شاید شرایط برای افراد نیازمند بهتر شود. درواقع این حجم زیاد خیریه و نهاد کمک‌رسانی و درخواست و کمپین و... ضروری به نظر می‌رسد. وقتی هم این سؤال اساسی در ذهنتان پیچید که چطور و چگونه می‌شود اعتماد کرد،

نیت‌رادراباید
کافی است کمی سرتان را بچرخانید یا در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چرخ کواکبی بنزد تا با پیامی درباره درخواست نیکوکاری و پرداخت مبلغ روبرو شوید یا با درخواست بیوسنس به کمپینی برای بهترکردن زندگی کودکان، نیازمندان و معلولان مواجه شوید. اما سؤال اصلی این است که چطور می‌شود به آنها اعتماد کرد؟ آن‌طور که رئیس کمیته امداد گفته است، حداقل سه‌هزار خیریه در تهران فعالیت دارند، اما آن بخش رسمی؛ یعنی کمیته امداد که به نظر می‌رسد از میزان اعتماد مردمی به آن تا حدودی کاسته شده، مسئولیت بیش از ۸۷ هزار خانواده را فقط در تهران برعهده دارد که سال گذشته ۱۷ هزار خانواده به آن اضافه شدند. کمیته امداد قصد دارد با پرداخت وام و افزایش توانمندی‌ها، خانواده‌های تحت پوشش را مستقل کند. اما مردم شاید از این موضوع تعجب کنند که اگر کمیته